

Qur'anic ruku's; from historical background to usages in Islamic culture

Meysam sadeghi touranpashti*

Yahya mirhoseini, Ahmad zareardini*****

Abstract

One of the divisions of the text of the Qur'an next to the verse, surah, hizb and Juz' is called " ruku'." A set of verses that are very similar in subject and meaning and unlike most Qur'anic divisions, the number of letters and words does not interfere in determining its scope. despite the the remarkable importance of ruku' in reading and interpretation, it has received less attention than its other counterparts. the oldest memorable mention of ruku's dates back to the fourth century AH; where for the supererogatory nights of Ramadan, parts of the Qur'an should be recited after the sura al-Fatiha. from then on, the usages and necessity of paying attention to the ruku's gradually increased until its sign appeared in the margins of some mus'hafs. the present article, in a descriptive-analytical method, first tries to discuss the relationship between Qur'anic ruku's and paragraphing by text reading studies. then tell about the place of Qur'anic ruku's in islamic culture and finally explain its benefits in the form of the functions of reciting the Quran (propaganda and educational aspect) and writing commentary (scientific aspect).

Keywords: ruku'/ruku's; Quran reading; Interpretation; Mushaf; Organize the text

* PhD student, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran (Corresponding Author), sadeghi.mehr70@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran, mirhoseini@meybod.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Qur'anic Sciences and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran, zareardini@gmail.com

Date received: 02-11-2020, Date of acceptance: 06-02-2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

رکوعات قرآنی؛ از پیشینه تاریخی تا کاربردها در فرهنگ اسلامی

میشم صادقی تورانپشتی*

یحیی میرحسینی**، احمد زارع زردینی***

چکیده

یکی از تقسیمات متن قرآن در کنار آیه، سوره، حزب و جزء، «رکوع» نام دارد؛ مجموعه‌ای از آیات که در موضوع و معنا، قرابت بسیاری دارند و برخلاف غالب تقسیمات قرآنی، تعداد حروف و کلمات در تعیین دامنه‌اش دخالتی ندارد. رکوع با توجه به اهمیت شایان توجهی که در امر قرائت و تفسیر دارد، اما کمتر از دیگر همتایان خود مورد توجه بوده است. قدیم‌ترین یادکرد به یادگارمانده از رکوعات، به سده چهارم هجری بازمی‌گردد؛ جایی که برای نوافل شبانه ماه رمضان، می‌بایست پس از فاتحه‌الکتاب، قطعاتی از قرآن خوانده شود. از آن پس، به تدریج کاربرد و ضرورت توجه به رکوعات فزونی گرفت تا آنکه نشانه‌اش در حاشیه برخی مصاحف، وارد شد. نوشتار حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی، می‌کوشد نخست با استفاده از مطالعات خوانش متن، ارتباط رکوعات را با بحث سازماندهی متون و پاراگراف‌بندی به بحث گذارد. آنگاه از جایگاه رکوعات قرآنی در فرهنگ اسلامی بگوید و در پایان، فواید آن را در قالب کارکردهای قرائت قرآن (جنبه تبلیغی و تعلیمی) و نگارش تفسیر (جنبه علمی) تبیین نماید.

کلیدواژه‌ها: رکوع / رکوعات؛ قرائت قرآن؛ تفسیر؛ مصحف؛ ساماندهی متن.

* دانشجوی دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)،
sadeghi.mehr70@gmail.com

** استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران،
Mirhoseini@meybod.ac.ir

*** دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، ایران،
zarezardini@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸

۱. مقدمه

واژه رکوع ناظر به گونه‌ای از تقسیم‌بندی قرآن است که ملاک دسته‌بندی، معنا و مفهوم آیات است؛ بدین صورت که چند فراز هم‌موضوع و هم‌معنا، یک رکوع را تشکیل می‌دهند (معینی، ۱۳۷۷: ۱۱۱۷). برخی صاحب‌نظران علوم قرآنی، چنین طبقه‌بندی را اعجاز‌آمیز خوانده، تاریخچه رکوعات را به صدر اسلام بازگردانده و به پیامبر (ص) منتسب می‌کنند (مرادی و لسانی، ۱۳۸۶: ۵۷). اما بسیاری دیگر، تنها تقسیم قرآن به آیه و سوره را توقیفی و به یادگار مانده از رسول خدا (ص) دانسته، تقسیم قرآن به رکوعات را از ابتکارات مسلمانان اعصار بعد در نظر می‌گیرند (مستفید و دولتی، ۱۳۸۴: ۱۴). بنا بر تعریف یاد شده، می‌توان رکوعات را به لحاظ مفهومی با اصطلاح «سیاق»^۱ که کاربست بیشتری نزد مفسران دارد، نزدیک دانست؛ چه آنکه غالب علما در فرآیند تفسیر، نخست چند آیه هم‌مضمون را از بقیه آیات جدا کرده (مشخص کردن محدوده سیاق)، آنگاه مباحث تفسیری خود را سامان می‌دهند (نک: علوی مهر، ۱۳۸۴: ۳۷۵).

با وجود مشابهت بین رکوع و سیاق اما تفاوتی بنیادین میان آن دو خودنمایی می‌کند؛ توضیح آنکه سیاق، امری منعطف و تعیین محدوده آن به نظر شخصی و اجتهادی مفسر وابسته است؛ دقیقاً از همین روست که آغاز و پایان سیاق‌هایی که مفسران برای طبقه‌بندی درج مطالب خود در نظر گرفته‌اند، متفاوت است؛ امری که گاه به تفاوت در فهم و تفسیر نیز منجر شده و می‌شود. اما محدوده رکوعات قرآنی از پیش تعیین شده است و فاعل شناسا در آن مدخلیتی ندارد. این محدوده‌ها افزون بر کتب علوم قرآنی، در حاشیه برخی مصاحف با علامت «ع» مشخص شده‌اند (لسانی و مرادی، ۱۳۹۴: ۹۱).

با عطف‌توجه به تعاریف ارائه شده از سیاق و رکوعات، می‌توان بین این بحث و برخی مطالب مندرج در حوزه «مطالعات خواندن/ خوانش متن»^۲، ارتباط و نسبتی برقرار کرد. صاحب‌نظران این حوزه از دانش، خواندن را صرفاً امری مکانیکی که در آن تشخیص واژه‌ها و روان‌خوانی اهمیت داشته باشد، نمی‌دانند؛ بلکه فرآیند خواندن را جامع‌تر نگریسته، از آن به «مهارت و توانایی درک مطلب» یاد می‌کنند. در پژوهش‌های خود نیز مدام در پی ارائه راهبردهایی جهت تقویت فرآیند بهینه خوانش و فهم هستند (نک: داوری، ۱۳۹۶: ۲۵-۳۵). عنایت و التفات به مباحث خوانش متن، در سنت اسلامی سابقه طولانی دارد و بازتاب آن را بیش از هر جای دیگر، می‌توان در «دانش قرائت قرآن» باز جست. این نوع نگرش به قرائت که از آن با عنوان «تلاوت معنامحور» یاد می‌شود، نزد متقدمان بیشتر با

عنایت به مفهوم «رکوعات قرآنی» و نزد معاصران بیشتر با عطف توجه به «سیاق» مطمح نظر بوده است (برای اطلاع درباره قرائت بر پایه سیاق نک: تلاوت معنامحور، ۱۳۹۰: سراسر اثر). شایان ذکر آنکه از میان این دو اصطلاح، رکوعات قرآنی از اهمیت بیشتری در رابطه با مهارت‌های خواندن برخوردار است؛ چرا که مسلمانان از دیرباز در فن «مصحف‌نگاری» بدان توجه داشته و با وضع علائمی در حاشیه مصاحف، توجه قاریان را به آغاز و پایان رکوعات جلب می‌کرده‌اند. دقیقاً از همین روست که این اصطلاح، تخصصاً به حوزه قرائت قرآن مربوط می‌شود؛ در حالی که سیاق همواره در حلقه درس مفسران مطرح بوده و جایگاه چندانی در دانش قرائت نداشته است.

شایان ذکر آنکه تقسیم‌بندی متن بلند به قطعاتی با مضمون مشترک، منحصر به قرآن کریم و فرهنگ اسلامی نیست و نمونه‌هایی از آن در سایر فرهنگ‌ها نیز دیده می‌شود. از جمله کهن‌ترین نمونه‌ها، باید به متن‌های ادبی یونان اشاره کرد که بر پاپیروس نوشته شده و قدمت آن به سده چهارم پیش از میلاد بازمی‌گردد. در آنجا خطی افقی زیر سطور و یا در حاشیه ابتدای هر موضوع دیده می‌شود که نشانگر آغاز بحث جدید است؛ این خطوط که بدان «پاراگرافوس» (Paragraphos \ Paragraphus) گویند در آثار ارسطو نیز به ثبت آمده است (توکلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳-۶۳). این قطعه‌بندی‌های موضوعی در فرهنگ دینی زرتشتی، یهودی و مسیحی نیز دیده می‌شود که درخور مطالعه و تدقیق است. تقسیم‌بندی‌های موضوعی در کتب مقدس، کارکردهای مختلفی می‌تواند داشته باشد که از مهمترین آنها باید به «جداسازی بخشی از متن برای خواندن در مراسم عبادی»، «ساده‌سازی در استناد و ارجاع» و «تسهیل در امر تبلیغ و تعلیم» اشاره داشت (Jackson, Judd and Seely, 2006: v7/ 39-64).

وجود نظائر رکوعات در سایر فرهنگ‌ها، التفات به کارکردهای مختلف و این نکته که امروزه تقسیم‌بندی متن در حوزه مطالعات خوانش متن در کانون توجه قرار دارد، می‌تواند افق‌های جدیدی در مطالعات علوم قرآنی بگشاید و الهام‌بخش بسیاری از پژوهش‌های قرآن‌شناسی گردد. درباره پیشینه مطالعات انجام شده باید گفت که بیش از همه، لسانی فشارکی و مرادی زنجانی به بحث رکوعات اهتمام داشته‌اند. این دو در کتابی به نام «روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم»، رکوعات قرآنی در سوره‌های مختلف را مشخص کرده و تعداد آن‌ها را در ۵۵۵ مورد احصاء کرده‌اند (نک: مرادی و لسانی، ۱۳۸۶: ۵۶). نیز در اثری دیگر به نام «سوره‌شناسی» فصلی را به رکوعات قرآنی اختصاص داده و تلاش کرده‌اند از

توقیفی بودن رکوعات، سرسختانه دفاع کنند (لسانی و مرادی، ۱۳۹۴: ۹۲). در این زمینه آثار زارع زردینی نیز شایان توجه‌اند. وی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظم سوره‌های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین» به رکوعات سوره یاسین پرداخته و تبیینی از نظم چینشی آیات این سوره، ارائه کرده است (زارع زردینی، ۱۳۹۵: ۲۹-۴۶). نیز همو به همکاری لسانی فشارکی و خلیلی در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی ساختار چینش آیات در رکوعات قرآنی» بر رکوعات سوره مبارکه بقره تمرکز کرده و گونه‌شناسی از الگوهای بسط متن در گفته‌پردازی رکوعات این سوره به دست داده است (زارع زردینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳-۹۴). به‌رغم تحقیقات انجام شده به نظر می‌رسد هنوز جایگاه رکوعات قرآنی در فرهنگ اسلامی به درستی شناخته نشده و کم‌تر کسی آن را در ارتباط با مباحث جدید در مطالعات خوانش متن، بررسی‌ده است. نوشتار حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی، بنا دارد زوایایی از این اصطلاح را بررسی کرده، کاربست و فواید آن را در فرهنگ اسلامی مورد کاوش قرار دهد.

۲. رکوعات قرآنی به مثابه واحد نزول

به گواه مستندات تاریخی، در نزول تدریجی قرآن کریم هر بار بخشی از آیات یک سوره - خصوصاً سوره‌های بلند - بر پیامبر(ص) نازل شده، ایشان نیز در دفعات متعددی بخش‌های یک سوره را برای مردم بازگفته‌اند. بر این اساس به اقتضای متن بودن این واحدهای ابلاغ و نیز به اقتضای اعجاز زبانی و ادبی قرآن، می‌بایست آیات قرآنی در یک سیاق معنایی بر مردم خوانده می‌شده است. این مطلب مورد توجه صاحب‌نظران علوم قرآنی قرار گرفته، ایشان بر همین اساس در تعریف واحد نزول به این نکته اشاره کرده‌اند که هر واحد، باید متن و کلامی هدفمند باشد تا پیامی خاص بازتاب دهد و اجزای آن با همدیگر پیوستگی و وابستگی لفظی داشته باشند (علوی مهر، ۱۳۸۴: ۱۴۲). بر پایه این تعریف مشخص می‌شود که واحد نزول احتمالاً از لحاظ مفهومی، با رکوعات قرآنی برابر می‌افتد و این امکان وجود دارد که بسیاری از رکوعات قرآنی، همان واحدهای نزول و یا به عبارتی دیگر واحدهای خواندن قرآن توسط پیامبر(ص) در مرحله ابلاغ وحی بوده باشد.

مرادی و لسانی نیز برآنند که رکوعات قرآنی با شأن معلمی پیامبر(ص) در ارتباط‌اند و بر دفعات نزول آیات، قابل تطبیق هستند؛ یعنی آیات قرآن در فرایند نزول تدریجی خود در هر بار، به میزان یک رکوع بر پیامبر اکرم نازل می‌شده است. از همین رو از نظر ایشان،

آیات هر رکوع به میزان پیوستگی آیات در یک سوره کامل، به هم دیگر پیوسته‌اند و به همین جهت می‌توان با هر واحد موضوعی، به مثابه یک سوره کامل معامله نمود (مرادی و لسانی، ۱۳۸۶: ۹۱).

۳. رکوعات قرآنی به مثابه پاراگراف و ارتباط آن با خوانش متن

پاراگراف که در فارسی بدان «بند یا فقره» گویند، قالبی است که انعقاد کلام در ظرف ذهن گوینده را ممکن می‌سازد و به اندیشه او شکل و انسجام می‌بخشد. پاراگراف‌های یک متن، واحدهای مستقل و جداگانه‌ای هستند که همچون حلقه‌های زنجیر در پیوند با یکدیگر، رشته کلام را می‌سازند. دقیقاً به همین دلیل است که مهارت در پاراگراف‌بندی و ارتباط آنها، نشانگر آگاهی نویسنده از طرح کلی مطلب و نمودار تسلط و ابتکار او در تقطیع سلسله معانی به اجزاء کوچک‌تر است (امینی، ۱۳۸۹: ۵۵-۸۶). در چیدمان هر پاراگراف، نویسنده انواعی از موضوعات مربوط به هم را با یکدیگر تلفیق کرده و به هم پیوند می‌دهد و یا بالعکس، آنها را از هم مجزا می‌سازد. با این کار، خواننده نیز می‌تواند آرام آرام با جنبه‌های مختلف یک موضوع آشنا شود. بنابراین دقیقاً این پاراگراف است که به خواننده نشان می‌دهد متن از کجا آغاز شده و در کجا به پایان می‌رسد و در چه موضعی با زیرشمول‌های نوشته مواجه است. مروری بر رکوعات قرآنی نشان می‌دهد دقیقاً تقسیم قرآن به واحد رکوع، این هدف را نمایندگی می‌کند و قاری قرآن را در این مسیر یاری می‌رساند (در این باره نک: زارع زردینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳-۹۴).

لازم به ذکر است پاراگراف به مثابه ابزار سازماندهی مناسب مطالب، امروزه از جایگاه ویژه‌ای در حوزه مطالعات خوانش متن برخوردار است. صاحب نظران این حوزه از دانش به دنبال راهکارهایی برای افزایش درک مطلب از طریق خواندن هستند. از دیدگاه ایشان خواندن، کُنشی است که در آن دیدن، شناسایی علائم نوشتاری، تبدیل علائم نوشتاری به صوتی، درک مجموعه علائم و آواها و در نتیجه، درک معنی از آن حاصل می‌شود (دانایی مقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷-۴۲). درک خواندن یا درک مطلب و یا درک متن، فرآیندی است که طی آن خواننده با تعامل با متن، معنی می‌سازد. طی این فرآیند، خواننده به طور مرتب اطلاعات جدید را با اطلاعات موجود در ذهن خود مرتبط می‌کند؛ همین تعامل میان خواننده و متن، مبنای ساخت معنی می‌شود (Doty, Popplewell, & Byers, 2001: 374-384) به بیان دیگر درک مطلب، فعالیت تعاملی است که در آن خواننده، دانش پیشین

خود را هنگام خواندن فعال می‌کند و معانی جدیدی می‌سازد که از متن استخراج شده است (Kao, Tsai, Liu, & Yang, 2016: 56-70). حال یکی از سوالات بنیادین در حوزه مطالعات خوانش متن آن است که چه شاخصه‌هایی، متن را قابل فهم می‌کند؟ پاسخ هر چه که باشد، سازماندهی مناسب مطالب یکی از مهمترین شاخصه‌هاست (فردوسی‌پور و دلاور، ۱۳۹۰: ۴۱-۵۸).

به قول «آلفرد نورد وایت هید» (Alfred north whitehead) ذهن آدمی، آماده نظم دادن به بی‌نظمی‌هاست؛ لذا در برخورد با متون، به دنبال زنجیره‌ای است تا طرحی یکدست از کل محتوا فراچنگ آورد. هریک از حلقه‌های این زنجیره، بخشی از کل محتوا را پوشش می‌دهد لذا یک مولف کارآمد و ماهر برای یکپارچه کردن نکات اصلی متن خویش، از الگویی سازماندهی شده و موثر استفاده می‌کند. به طبع، خوانندگان نیز این الگوی یکپارچه را به منظور درک بهتر مطلب، بازسازی می‌کنند (فردوسی‌پور و دلاور، ۱۳۹۰: ۴۱-۵۸). بر اساس تجارب متعدد ثابت شده است ساختار متن و سازماندهی جملات، اثر قابل توجهی بر قابل فهم بودن متن و نیز یادآوری مطالب دارند (همانجا).

عملیاتی شدن اهداف فوق پیرامون متن قرآن، از رکوعات مورد انتظار است؛ چه آنکه بنابر تعریف مصطلح، هر رکوع بخش و گروهی از آیات است که در موضوعی خاص تدارک شده و اتحاد مضمونی دارد؛ با شروع موضوع، رکوع آغاز می‌گردد و با تغییر و تحول کلام به موضوعی دیگر، آن رکوع پایان می‌یابد (حریری، ۱۳۸۴: ۱۶۱). همواره در فرهنگ اسلامی، تقسیم قرآن به رکوعات بوده که به معنای محور بودن تلاوت قرآن کمک می‌کرده است تا قاری با التفات بدان، یک بسته معنایی همراه با درک و فهم آیات منتقل کند و نه قرائتی که تنها در آن روانخوانی و رعایت قواعد تجوید اهمیت داشته باشد. بنابراین از این نظرگاه می‌توان از رکوعات به عنوان پاراگراف‌های قرآنی یاد کرد.

در پایان این بخش از سخن باید به پژوهش‌هایی اشاره داشت که آثار پاراگراف‌بندی یعنی نظم و سازماندهی را بر درک مطلب بررسی کرده‌اند. برای نمونه، کینتچ و وان داک (Kitsch & van Dijk) - دو روانشناس شناختی - در آزمایش خود دو متن، یکی با پاراگراف‌های منظم و دیگری با پاراگراف‌های آشفته در اختیار جامعه آماری خود گذاشتند. نتیجه آزمایش این بود که خوانندگان متن سازمان‌یافته به ۵۱ درصد سوالات درک مطلب، پاسخ صحیح داده‌اند؛ اما خوانندگان متن آشفته، تنها به ۲۶ درصد از سوالات، پاسخ درست دادند. شیدنبرگ (Mark Seidenberg) نیز در پژوهشی مشابه، نشان داده است توالی و نظم

نوشته‌های متن در تشخیص ایده اصلی، خلاصه کردن و استخراج اطلاعات به یادگیرنده کمک کرده و در نهایت، فرآیند درک مطلب را آسان می‌سازد (فردوسی‌پور، ۱۳۹۳: ۳۱-۴۰). این یافته‌ها نشان می‌دهد استفاده از الگوهای سازماندهی متن، منجر به بهبود و تسهیل فرآیند درک مطلب می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت مشخص بودن رکوعات تا چه اندازه می‌تواند در فهم قرآن کریم، ارجمند و اثربخش باشد.

۴. پیشینه سازماندهی متن در فرهنگ‌های پیشا اسلامی

سازماندهی مطالب از طریق پاراگراف از دیرباز و در سنت‌های مختلف مورد توجه بوده است. واژه پاراگراف که به انگلیسی «Paragraph» و به فرانسوی «Paragraphe» نوشته می‌شود، در اصل ریشه در لغت یونانی «παράγραφος» دارد که [paragrophos] تلفظ می‌شود و از دو جزء «παρά» [para] به معنی «کنار، پهلو» و «γραφος» [graphoso] به معنی «نوشته» تشکیل شده و روی هم «نوشته شده در کنار» یا با ترجمه‌ای روان‌تر «کنارنویسه» معنا می‌دهد. «کنارنویسه» یا «paragraphs» در واقع یک اصطلاح نسخه‌شناسی کهن است و بر علامتی اطلاق می‌گردیده که در حاشیه چپ متن به شکل یک خط افقی ترسیم می‌شده است. این علامت که تا حدی کارکرد تزئینی داشته، غالباً به سه صورت نوشته می‌شده است. این علائم در دستنویس‌های مختلف، کارکردهای گوناگونی داشته است؛ مثلاً در



متون نثر قسمت‌های مجزا را مشخص می‌کرده و یا در نمایشنامه‌ها برای نشان دادن تغییر یافتن شخصیت‌های نمایش درج می‌شده است.

همچنین در مجموعه‌های شعر برای جدا کردن اشعار از یکدیگر و در فهرست‌ها برای نشان دادن یک مدخل جدید به کار می‌رفته است. این علامت‌ها در پاپیروس‌های یونانی متعلق به قرن چهارم پیش از میلاد مسیح نیز دیده می‌شود و تنها علامت سجاوندی است که ارسطو از آن نام برده است (امینی، ۱۳۸۹: ۵۵-۸۶).

همانگونه که در یونان قدیم به وسیله علامت «کنارنویسه» شکل ظاهری پاراگراف را در متن مشخص می‌کردند در زبان اوستایی نیز با علامت (۰۰) مرکب از سه نقطه که یکی از آنها بر سر دو تای دیگر قرار می‌گرفت، پایان هر پاراگراف را در نوشته‌ها نشان می‌دادند. بنابراین در خط اوستایی نیز واحد پاراگراف با کمک این نشانه سجاوندی، از پاراگراف‌های دیگر مشخص می‌شده است (همانجا). در کتیبه‌هایی که به خط میخی و به زبان پارسی باستان نوشته شده و از لحاظ خوانایی و روشنی و نظم در ظاهر خط، در جهان بی‌نظیر

است، دو نوع علامت برای جدا کردن کلمات از یکدیگر وجود داشته است (kent, 1961: 19). در کتیبه طولانی داریوش کبیر در بیستون به فاصله هر سه یا چهار سطر و پیش از جمله «داریوش شاه گوید»، قدری فضای خالی دیده می‌شود که آن را نوعی علامت صوری برای پاراگراف باید دانست. این علامت چنان مشهود و عامدانه به کار رفته است که هم در تصاویر این کتیبه به وضوح به چشم می‌خورد و هم محققان بزرگی چون کنت و شارپ حتی در حرف‌نویسی این کتیبه‌ها علامت مذکور را حفظ کرده‌اند (kent,1961: 115-134؛ شارپ، ۱۳۴۲: ۷۱-۷۲).

در پیجویی از این رسم در سنت های یهودی و مسیحی، اطلاعات جالب توجهی برجای مانده است. از آنجا که نخستین نسخه‌های باقی مانده از کتاب مقدس مربوط به قرن‌ها پس از نویسندگان اصلی است، هیچ کس از ماهیت تقسیمات اصلی عهد جدید و عهد قدیم اطلاع ندارد؛ با این حال بر اساس نسخه‌های موجود از عهدین می‌توان به پژوهش در این زمینه پرداخت. از جمله قدیمی‌ترین نسخه‌ها، عهد عتیق عبری در طومارهای دریای مرده (Dead Sea) است که در سال ۱۹۴۷ در غارهای قمران (Qumran Caves) پیدا شد. در این متون که قدیمی‌ترین آنها مربوط به حدود ۲۵۰ سال قبل از میلاد است، متن عبری با خطوط افقی از راست به چپ و در ستون‌هایی که آن‌ها نیز از راست به چپ خوانده می‌شوند، نوشته شده‌اند. در این متون به طرز جالب توجهی، سیستم تقسیم بندی کتاب مقدس بر اساس واحدهای موضوعی و مفهومی پاراگراف است و هیچ نشانی از سوره و آیات به چشم نمی‌خورد. این سیستم تقسیم به پاراگراف در سنت یهود برجای می‌ماند و سرانجام به بخشی از متن «ماسورتیک (The Masoretic Text) کتاب مقدس عبری» تبدیل می‌شود. شایان توجه است که علاوه بر تقسیم متن به واحدهای کوچک پاراگراف، سنت یهودی سیستمی را برای تقسیم تورات به ۵۴ واحد بزرگتر ایجاد کرد که هر یک، پاراگراف‌های زیادی را دربرمی‌گرفت. این تقسیم بندی که «پاراشا» (Parashah) نامیده می‌شود، واحدهای مناسبی را برای خواندن در کنیسه در هر شنبه فراهم می‌آورد. هدف از این تقسیم آن است که کل تورات در یک سال تقویمی، قابل خواندن باشد. هر یک از این بخش‌ها بر اساس اولین کلمه یا کلمات متن، عنوان بندی شده‌اند که این عنوان بیش از هر چیز برای معلمان و دانش آموزان مفیدفایده است. لازم به ذکر است کل کتاب مقدس عبری، به جز مزامیر، به پاراگراف تقسیم شده است، اما تقسیم به پاراشا فقط در تورات دیده می‌شود.

در عهد جدید نیز درست مانند سنت یهودی، اولین سیستم تقسیم‌بندی، پاراگراف بود. این سیستم یکی از اولین سیستم‌های تقسیم‌بندی در عهد جدید است که در کتاب مقدس یونانی واتیکانوس (Greek Bible manuscript Vaticanus) - مربوط به قرن پنجم میلادی - دیده می‌شود. در واتیکانوس کاتبان از سیستمی با منشأ ناشناخته استفاده می‌کردند که در آن، متن به بخش‌های متناسب با شکست معنایی تقسیم می‌شد. این تقسیمات «کفالایای یونانی» (Greek kephalaia) خوانده می‌شد که به معنای «سرها» و یا «اصلی‌ها» است. آنها در حاشیه متن نامگذاری و شماره‌گذاری شده‌اند و اولین فرم تأیید شده از نوعی تقسیم فصل در عهد جدید هستند. طول کفالایا بسیار کمتر از فصل‌های امروزی است و می‌توان آن را معادل بند به شمار آورد.

این الگوهای تقسیم‌بندی در متن عبری عهد عتیق و متن یونانی عهد جدید در برخی از ترجمه‌های انگلیسی عهدین نیز بازتاب یافته است. به عنوان نمونه در نسخه معروف شاه جیمز^۳ که در سال ۱۶۱۱ منتشر شده است، مترجمان یا ویراستاران با پیروی از الگوی تقسیم‌بندی‌های عبری، سیستمی از نشانگرهای پاراگراف (¶) را در سرتاسر عهد عتیق ایجاد کردند که اغلب موازی با تقسیم‌بندی‌های موجود در کتاب مقدس عبری است. نیز مترجمان کتاب مقدس شاه جیمز تقسیم‌بندی‌ها را در عهد جدید با نشانگرهای پاراگراف (¶) نشان داده‌اند. تقسیم‌بندی‌های آنها در عهد جدید نیز در بسیاری از موارد با کفالایای باستان و تقسیمات فصلی که از نسخه‌های خطی اولیه شناخته می‌شوند، منطبق است؛ اما به دلایلی که دانشمندان تا امروز برایش پاسخی نیافته‌اند، در بخش‌هایی از کتاب اعمال رسولان پایان می‌یابد (Jackson, Judd and Seely, 2006: v7 /39-64).

۵. رکوعات قرآنی و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی

رکوع مصدر ریشه (رکع) و به معنای انحناء و خضوع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸/ ۱۳۳). در اصطلاح شرعی به معنای خم شدن نمازگزار به مقداری است که انگشتان دست او به زانو برسد (بحرانی، ۱۳۶۳: ج ۸/ ۲۳۴). این ریشه ۱۳ بار در قرآن کریم به کار رفته که در برخی موارد از جمله آیه «...فَاسْتَغْفِرْ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابٌ» (ص/ ۲۴) به معنای لغوی و در برخی موارد از جمله آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا» (الحج/ ۷۷) در معنای اصلاح شرعی، استعمال شده است (نک: قرشی، ۱۳۷۷: ج ۹/ ۲۰۹).

اما در اصطلاح علوم قرآنی رکوع یکی از تقسیمات قرآنی به شمار می‌رود. در این تقسیم برخلاف سایر تقسیمات قرآنی همچون جزء و حزب که بر اساس شمار حروف یا کلمات صورت می‌گیرند، مفهوم آیات ملاک تقسیم است (مستفید و دولتی، ۱۳۸۴: ۱۴). رکوعات قرآنی طول و اندازه مساوی و معین ندارند؛ از نظر قرآن‌شناسان هر بخش متشکل از چند آیه که هم‌موضوع و هم‌معنا باشند، می‌توان یک رکوع به شمار رود (جوان آراسته، ۱۳۸۰: ۴۷۷). برای توضیح بیشتر در این باره باید گفت هر رکوع، بخش و گروهی از آیات است که در یک موضوع آمده و اتحاد مضمونی دارد؛ از این‌رو شماره آیات مندرج در هر رکوع، کم و زیاد است (حریری، ۱۳۸۴: ۱۶۱). به دیگر سخن هر رکوع، مبین قضیه‌ای خاص در هر سوره است که بیشتر در سوره‌های بزرگ قرآن می‌توان آن‌ها را بازجست؛ چرا که سوره‌های کوچک اغلب در یک موضوع واحد است، حال آنکه تنوع موضوعی بیشتر در سوره‌های بزرگ به چشم می‌آید (معینی، ۱۳۷۷: ج ۱/۱۱۱۷). برای نمونه سوره بقره دارای ۴۰ رکوع است اما سوره‌های کوچکی مثل عبس و ناس، دارای یک رکوع می‌باشند (مظفری، ۱۴۱۰: ۸۲؛ خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۱۱۱۷).

در شمار دقیق رکوعات قرآن اختلاف است؛ مشهور آن را ۵۴۰ فقره می‌داند (حریری، ۱۳۸۴: ۱۶۲). برخی دیگر با استناد به تعلیم پیامبر (ص)، عدد را ۵۵۵ رکوع می‌دانند (مرادی و لسانی، ۱۳۸۶: ۵۶). در مصاحف چاپ شبه قاره هند تعداد رکوعات قرآنی ۵۵۶ مورد برشمرده شده است (مستفید و دولتی، ۱۳۸۴: ۱۶). در قرآن طبع تهران به سال ۱۲۷۴ قمری - برگرفته از چاپ لایپزیک و به اهتمام ملا محمد جعفر تهرانی - شمار رکوعات را ۵۸۴ می‌یابیم (مدیرشانه‌چی، ۱۳۶۲: ۱۲۷-۱۷۴). در شمارش علی محمد ضیاع عالم مصری تبار، رکوعات قرآنی به تعداد ۷۳۰ می‌رسد (مستفید و دولتی، ۱۳۸۴: ۱۶). حتی تعداد هزار رکوع نیز به ثبت آمده است (شاکر، ۱۳۸۱: ۴۰).

از میان کتاب‌های علوم قرآنی نخستین بار نویسنده «رسالة فی عد الآی و السور المکیة و المدنیة» که تنها می‌دانیم در نیمه دوم سده دوازدهم هجری می‌زیسته و از نام و نشان او اطلاعی نداریم، به رکوعات سور قرآنی پرداخته است (ص ۶۱۴) اما در هیچ یک از منابع کلاسیک علوم قرآنی مانند الاتقان و البرهان اشاره‌ای به این تقسیم دیده نمی‌شود. در مورد علت غیبت این بحث، برخی ادعا کرده‌اند در فرهنگ اسلامی، به قدری تقسیم قرآن به رکوعات رواج داشته که دیگر نیازی به بررسی علمی و سندی، احساس نمی‌شده و نزد قدما به عنوان یک امر متواتر و رایج از صدر اسلام مورد پذیرش بوده است (مرادی و

لسانی، ۱۳۸۶: ۵۸). در برآورد این سخن باید گفت، نه تنها قائلین هیچ دلیلی برای این تواتر اقامه نکرده‌اند بلکه توجیه آنها، قابل پذیرش نیست؛ چه آنکه شاید نتوان هیچ امر متواتر از صدر اسلام یافت که شدت وضوح، مانع از بحث و نظر درباره آن شده باشد. با این حال نویسندگان مقاله حاضر جهت راستی آزمایی این ادعا و همچنین روشن شدن زوایای پنهان بحث، به تتبع در منابع گوناگون اسلامی پرداخته و کوشیده‌اند جایگاه اصطلاح «رکوعات قرآنی» را در فرهنگ اسلامی بررسی کنند.

۱.۵ رکوعات قرآنی در فقه اهل سنت

در فقه اهل سنت به مناسبت بحث از «نماز تراویح» و همچنین به هنگام بحث از «قرائت سوره در نمازهای یومیه» از اصطلاح رکوعات قرآنی سخن به میان آمده است.

۱.۱.۵ رکوعات و نماز تراویح

قدیمی‌ترین یادکرد از اصطلاح رکوعات قرآنی در منابع فقهی و به طور کلی در منابع فرهنگ اسلامی به کتاب المبسوط سرخسی و به مناسبت بحث از نماز تراویح است (نک: سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۲/ ۱۴۶). تراویح، از مصطلحات فقهی اهل سنت و ناظر به نوافلی است که در شب‌های ماه رمضان به جماعت و با آدابی خاص اقامه می‌گردد (مجاهدی، ۱۳۸۵: ج ۱/ ۷۴۱). این نماز در فقه اهل سنت طبق قول مشهور ۶۰۰ رکعت دارد و در هر شب از شب‌های ماه رمضان، ۲۰ رکعت از آن خوانده می‌شود (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۲/ ۱۴۶). نزد علمای اهل سنت تعداد آیاتی که باید در هر رکعت از نماز تراویح خوانده شود، محل اختلاف است؛ اما از آنجا که این مذهب، خواندن یک ختم قرآن را در این نماز مستحب می‌دانند (زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۱۰۵۹) قرآن را به ۵۴۰ رکوع تقسیم کرده‌اند تا با شیبی ۲۰ رکعت نماز، قرآن در شب ۲۷ ماه مبارک رمضان ختم شود تا به فضیلت ختم قرآن در شب قدر نیز نائل آیند (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۲: ۱۴۶). جالب توجه آنکه برخی بر همین اساس، قرآن را به ۲۷ جزء تقسیم کرده‌اند (نک: ابوداود، ۱۳۲۴: ج ۲/ ۲۲۹).

سرخسی (د ۴۸۳ق) در المبسوط به هنگام اشاره به کیفیت نماز تراویح، اطلاعات ارزشمندی پیرامون رکوعات قرآنی به دست داده است. وی می‌نویسد:

از قاضی امام عمادالدین نقل است که مشایخ شهر بخارا، قرآن را بر اساس ۵۴۰ رکوع مرتب ساخته‌اند؛ قرآن را بر اساس همین رکوعات تعلیم داده، تا ختم قرآن با شب ۲۷

ماه مبارک رمضان مقارن شود؛ باشد که به فضیلت شب قدر نائل آیند؛ چرا که روایات بسیاری شب قدر را شب ۲۷ ماه مبارک رمضان دانسته است. اما در غیر از شهر بخارا، مصاحف قرآنی بر اساس آیات تنظیم شده‌اند. از آنجا که هر یک از این بخش‌ها در یک رکعت از نماز خوانده می‌شود، آن‌ها را رکوع نامیده‌اند (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۲: ۱۴۶).

از این گفته، چند نکته مهم به دست می‌آید:

۱. نخست آنکه پیشینه بحث از رکوعات را می‌توان حداقل تا قرن چهارم هجری به عقب برد؛ چرا که سرخسی، جمله را از قاضی عماد الدین نقل کرده و او نیز شیوه کار را به مشایخ شهر بخارا منتسب کرده است. در منابع اسلامی هیچ شرح حالی از قاضی عمادالدین به دست نمی‌آید، اما از نحوه نقل قول سرخسی برمی‌آید که او خود، قاضی عمادالدین را ندیده باشد و در حال بازگفتن با واسطه سخن است؛ از این رو سال وفات قاضی عماد الدین حداقل می‌بایست به سال‌های آغازین قرن پنجم هجری بازگردد و از آنجا که عمادالدین در مورد کرده مشایخ بخاری صحبت می‌کند، بی‌تردید در قرن چهارم مبحث رکوعات قرآنی در بین عالمان دینی مطرح بوده است.

۲. بر اساس گزارش سرخسی به هیچ‌وجه رکوعات قرآنی را نمی‌توان در زمره تقسیمات توفیقی قرآن به شمار آورد؛ چه آنکه تقسیم قرآن به رکوعات، منحصر به علمای بخارا بوده و آن‌ها بر اساس محاسبات ریاضی به این طبقه‌بندی رسیده بودند که اگر قرآن را به ۵۴۰ بخش تقسیم کنند، با قرائت ۲۰ رکوع در هر شب، ختم کامل قرآن در شب ۲۷ رمضان میسر می‌شود.

۳. همچنین بر پایه این گزارش، وجه تسمیه رکوعات نیز به نماز تراویح مربوط می‌شود؛ چرا که در هر رکعت از نماز تراویح می‌بایست یک رکوع خوانده شود.

۲.۱.۵ رکوعات و قرائت سوره در نماز

افزون بر نماز تراویح، باید بدین نکته اشاره کرد که از منظر فقهای اهل سنت، قرائت سوره بعد از حمد در نمازهای یومیه، با خواندن مقداری از قرآن ولو یک آیه نیز حاصل می‌شود؛ گرچه تأکید می‌شود شایسته نیست آیاتی از قرآن که از حیث معنا با پس و پیش خود ارتباط ندارند، قرائت شود (بهوتی، ۱۴۱۸: ج ۱/۴۱۰؛ نکوئی، ۱۳۸۹: ۹۶-۹۵). بنابراین از آنجا که احتمال وقف در غیر موضع می‌رود، تأکید می‌شود نمازگزار پس از خواندن

فاتحه‌الکتاب، یک رکوع از قرآن بخواند تا موضوعی خاص از مصحف، قرائت شده باشد (نصوی، بی تا: ج ۳/ ۳۸۵؛ حریری، ۱۳۸۴: ۱۶۱). دقیقاً از همین روست که در کتب علوم قرآنی و علم قرائت، یکی از موارد وقف تام «پایان یافتن رکوع» برشمرده شده است (شاکر: ۱۳۸۱: ۴۳).

در منابع روایی اهل سنت، این نحوه از قرائت قرآن در نماز به سیره نبوی مستند شده است. برای نمونه عبدالله بن سائب، راوی خاطره‌ای است که صبح‌هنگام در شهر مکه، نماز را به پیامبر (ص) اقتدا کرده بود؛ حضرت در آن نماز، سوره مؤمنون را از ابتدا تا آیه‌ای که در آن «موسی و هارون» (آیه ۴۵) یا «عیسی» (آیه ۵۰) آمده قرائت کرده، آنگاه به رکوع رفتند (مسلم، ۱۴۱۲: ج ۱/ ۳۳۶). همچنین در روایات دیگر چنین آمده که پیامبر اکرم در رکعت اول نماز صبح «قولوا آمنا بالله وما أنزل إلینا...» (البقره/ ۱۳۶) و در رکعت دوم «تعالوا إلی کلمة سواء بیننا و بینکم...» (آل عمران/ ۶۴) را قرائت می‌کردند (همان: ج ۲/ ۱۶۱). همچنین از ابوسعید خدری درباره کیفیت نماز آمده است: «پیامبر به ما تعلیم داد در رکعت اول و دوم نماز، سوره فاتحه‌الکتاب و هر آنچه از قرآن از بر داریم و برایمان میسر است، بخوانیم» (احمد بن حنبل: ج ۱۸: ۱۳).

۲.۵ نشانه رکوعات در مصاحف و کاربردها آن در قرائت و حفظ قرآن

از آنجا که رکوعات در شمار تقسیمات قرآنی جای دارد، به مانند جزء و حزب که نشانی در مصحف دارد، انتظار می‌رود بازتابی در متن مکتوب داشته باشد. برخی که مدعی تواتر رکوعات از زمان پیامبر (ص) تاکنون هستند، معتقدند این تواتر در نسخه‌های فراوان قرآن کریم از دوره‌های مختلف، ثبت و ضبط شده است (لسانی و مرادی، ۱۳۹۴: ۹۲)؛ این در حالی است که بنا بر گزارش سرخسی، نایب‌تاریخ پیدایش رکوعات چندان پیش از قرن چهارم هجری باشد (نک: بخش پیشین). پس پذیرش این امر که رکوعات قرآنی در سراسر جهان اسلام و از صدر اسلام متواتر بوده باشد، محل تردید است. نشانه‌اش اینکه سخاوی (د ۶۴۳ق) در کتاب جمال القراء و کمال الاقراء که به طور مفصل از انواع تقسیمات قرآنی سخن گفته، هیچ اشاره‌ای به رکوعات نداشته است. همین مطلب این گمان را تقویت می‌کند که در قرن هفتم در مصر و شام - دو منطقه‌ای که سخاوی سال‌ها در آن‌ها زیسته - این تقسیم رایج نبوده است.

افزون بر این، نویسندگان مقاله حاضر هنوز به هیچ مصحفی مربوط به پیش از قرن هشتم قمری دست نیافته‌اند که در آنها، رکوعات تعیین شده باشد. آنچه ما را در پی جست تاریخچه رکوعات کمک می‌کند، «رسالة فی کتابة المصحف» است؛ در این اثر به فن مصحف‌نویسی اختصاص دارد، به رکوعات اشاره رفته است (رساله فی کتابة المصحف، ۱۳۸۵: ۳۵۴). هویت نگارنده بر ما پوشیده است اما از آنجا که مؤلف، ابن الجزری (د ۸۳۳ق) را شیخ خود معرفی می‌کند، می‌توان محتمل دانست با دانشوری از سده نهم هجری مواجهیم.

مصحف‌نگاران از زمان توجه به رکوعات، از «ع» برای نشان‌دار کردن آغاز و پایان هر رکوع استفاده نموده‌اند^۱. افزون بر آن در بسیاری از مصاحف، به هنگام شروع هر سوره در کنار یا بالای بسمله، به تعداد رکوعات نیز اشاره رفته است (مظفری، ۱۴۱۰: ۸۲؛ نیز برای نمونه‌ای از بررسی رکوعات در مصاحف قرآنی ر.ک: صادقی توران‌پشتی و ملک ثابت، ۱۳۹۸). بازتاب رکوعات در مصاحف سرزمین‌های شرقی مثل هند، پاکستان، ایران و عراق، بیش از دیگر سرزمین‌ها دیده می‌شود؛ در این میان، مصاحف شبه‌قاره هند توجهی فزون‌تر به این موضوع داشته‌اند (مستفید و دولتی، ۱۳۸۴: ۱۵). در مصاحف این منطقه، علامت رکوع با سه عدد همراه است؛ عدد فوقانی، شماره مسلسل رکوع را حکایت می‌کند و شمار مندرج در وسط، تعداد آیات رکوع را نمایندگی می‌کند؛ عدد به ثبت آمده در پایین نیز بر شماره مسلسل رکوع در جزء مورد نظر، دلالت می‌کند. برای نمونه درج شکل «ع» بر آیه ۲۸۶ سوره بقره، باین این چنین رمزگشایی شود: آیه‌ای که ع بر آن قرار گرفته، انتهای چهلمین رکوع سوره بقره است و این رکوع دارای سه آیه است و در جزئی که این آیه در آن قرار دارد، هشتمین رکوع محسوب می‌شود (همان، ۱۷).



علامت رکوع در برگ شماره ۵۳۶ از مصحف موزهی هنر والترز^۷

گفتنی است تعیین و بازشناسی رکوع در حاشیه مصاحف، بیش از هرکس به کار قاریان می‌آمده است؛ چرا که آنها با توجه به این علامت، می‌توانستند حسن مطلع و حسن ختام مناسبی داشته باشند. در جلسات آموزش نیز استاد سعی می‌کرد در هر جلسه، آیات یک رکوع کامل را به قرآن‌آموزان تعلیم دهد. شاگردان نیز در هر جلسه، یک رکوع کامل را تحویل می‌داده‌اند. امروزه نیز در برخی از جلسات قرائت قرآن، مسأله رکوعات همچنان ارجمند است و اهمیت شایان توجهی دارد؛ از آن‌رو که شرکت‌کنندگان موظف‌اند کمینه یک رکوع بخوانند. در این مجالس، آیه‌ای که علامت (ع) دارد، به «آیه عین» معروف است و قاری باید محدوده میان دو آیه عین را تلاوت کند (مرادی و لسانی، ۱۳۸۶: ۵۷). گفتنی است رکوعات، مبنای حفظ قرآن نیز قرار گرفته است؛ علی‌محمد ضباع در انتهای مصحفی که به چاپ رسانده، چنین آورده است: «رمز رکوع، (ع) است و این آیات برای کسی که می‌خواهد قرآن را در دو سال حفظ کند، مناسب است» (مستفید و دولتی، ۱۳۸۴: ۱۷). طبق این گفته باید شمار رکوعات قرآن در این مصحف، حدود ۷۳۰ عدد باشد.

۳.۵ رکوعات قرآنی در تفاسیر فریقین

تقسیم سوره‌های طولانی یا نسبتاً طولانی قرآن به واحدهای موضوعی، بهترین راهنمای تشخیص سیاق و تعیین محدوده بیان مطلب است که اهل تفسیر همواره بدان نیاز دارند؛ به

عبارت دیگر مفسر به هنگام درج مطالب تفسیری، باید تعدادی از آیات را برش موضوعی بزند تا مطالب خود را عرضه بدارد و پس از اتمام آن، به سراغ بخش بعدی برود. این کار نوعاً توسط مفسران به صورت اجتهادی صورت می‌گیرد اما این امکان وجود دارد که مفسران، تقسیم از پیش موجود رکوعات را ملاک این واحدهای موضوعی قرار دهند. با این وجود تتبع در منابع تفسیری فرقی نشان می‌دهد که هیچ یک از مفسران متقدم به مبحث رکوعات قرآنی توجهی نداشته و تنها در تفاسیر انگشت‌شماری از قرون متأخر به مبحث رکوعات قرآنی توجه شده است.

قدیم‌ترین تفسیری که می‌توان بازتابی از رکوعات در آن سراغ گرفت، «مواهب علیّه» است؛ تفسیر شیعی از ملا واعظ کاشفی سبزواری در قرن نهم که به زبان فارسی نگارش یافته است. کاشفی تنها در برخی از موارد، تعداد رکوعات سور را یادآور شده است؛ برای نمونه در آغاز سوره انبیاء، آیات سوره را ۱۱۲ و تعداد رکوعات را ۷ مورد دانسته است (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ج ۱/۷۰۳). با این حال این برشماری رکوعات از سوی کاشفی، هیچ نمودی در مباحث تفسیری‌اش نداشته است. در میان اهل سنت، تفسیر مظهري نیز همان شیوه تفسیر مواهب علیه را پی گرفته و تنها به تعداد رکوعات برخی از سور، اشاره رفته است؛ برای نمونه وی در آغاز سوره فتح، این سوره را مدنی با ۲۹ آیه و ۴ رکوع معرفی کرده است (مظهري، ۱۴۱۲: ج ۲/۹).

اما اثری که به طور جدی و با دقت تمام، رکوعات قرآنی را ملاک قرار داده و آیات را منطبق با آن شرح داده، تفسیر کابلی است؛ این اثر حدود دو قرن پیش به زبان اردو در هفت مجلد - مطابق هفت حزب قرآن - توسط محمود حسن دیوبندی از علمای هندوستان تدوین شد. این نوشته، یک متن درسی بوده است و چه بسا به خاطر همین جنبه تعلیمی، بر اساس رکوعات تنظیم شده است. گفتنی است ارجاعات زنجیره‌ای در سراسر این تفسیر نیز مبتنی بر رکوعات است؛ به عنوان نمونه: «در سوره بقره، رکوع ۲۱ نیز چنین مضمونی گذشت»؛ «رکوع ما قبل فی الحقیقت، تمهید این رکوع بود» (دیوبندی، ۱۳۸۵: ج ۱/۳۳۶، ج ۲/۱۷۷).

از معاصران، ملاعباسعلی کیوان قزوینی (د ۱۳۱۷ش) در تفسیر خود ذیل بحث از تقسیمات قرآن، متعرض بحث رکوعات می‌شود. وی یکی از شواهد اهتمام مسلمانان به قرائت قرآن را تقسیم سوره‌ها به رکوعات می‌داند و تأسف می‌خورد که چرا شیعیان ایران از این امر، بهره چندانی نمی‌برند (کیوان قزوینی، ج ۱/۷۲۵-۷۲۶؛ نیز نک: رجبی و رستمی:

رکوعات قرآنی؛ از پیشینه تاریخی تا کاربردها ... (میثم صادقی تورانپشتی و دیگران) ۱۰۳

۱۳۹۱: ۶۲-۴۶). او در توضیح بیشتر به سیره مسلمانان متقدم اشاره می‌کند که در نماز پس از قرائت سوره حمد، چند آیه از سوره‌ای معین می‌خواندند؛ بدین ترتیب در یک فاصله زمانی منظم مثلاً یک‌ماه، قرآن را در نماز ختم می‌کردند و در اثر این سنت حسنه، اغلب حافظ قرآن نیز می‌شدند (کیوان قزوینی، ۱۳۸۴: ج ۱/ ۹۴ و ۹۵).

نکته دیگری که توجه بدان خالی از لطف نیست آنکه توجه به تغییر موضوع و انتقال آن به مخاطب، در برخی از ترجمه‌های قرآن نیز دیده می‌شود؛ چیزی که می‌تواند توجه به رکوعات را بیشتر نمایان سازد. برای نمونه طاهره صفارزاده در ترجمه قرآن به زبان پارسی، به هنگام تغییر موضوع از علامت ستاره استفاده کرده است تا بدین سان، مخاطب خود را به دگرگونی موضوعی التفات دهد. وی درباره روش کار خود، این چنین توضیح می‌دهد:

در آیات مرتبط به هم، پایان هر آیه حتی اگر جمله کامل باشد، نقطه به کار برده نشده و برای نشان دادن تداوم موضوع عموماً از نقطه ویرگول (؛) استفاده شده است. در صورتی که موضوع و خطاب الهی ضمن بیان تغییر کند، این دگرگونی با علامت ستاره (*) مشخص شده است (صفارزاده، ۱۳۸۸: ۱۴۳۴).

۶. نتیجه‌گیری

۱) رکوعات دقیقاً مترادف «پاراگراف» در مطالعات خوانش متن است؛ امری که بسیار در ساماندهی متن، حائز اهمیت است، خاصه در فهم، تلخیص و یادسپاری. دقیقاً از همین روست که رد پای پاراگراف‌بندی را حتی می‌توان در آثار ارسطو نیز مشاهده نمود. متون دینی نیز به منظور «ساده‌سازی در استناد و ارجاع»، «تسهیل در امر تبلیغ و تعلیم» و «جداسازی بخشی از متن برای خواندن در مراسم عبادی» رو به قطعه‌بندی متن می‌آوردند. تقسیم قرآن به رکوعات نیز از احتیاج مسلمانان به بخش‌بخش کردن قطعات سوره برای قرائت منظم قرآن پدید آمد.

۲) مبنای تقسیم‌بندی، موضوع آیات و توجه به معناست؛ چنانکه امروزه به هنگام شکست معنا، یک پاراگراف به پایان می‌رسد. پس یک پاره مفهومی به هم پیوسته آیات، یک رکوع به شمار می‌رود.

۳) تعداد رکوعات از عدد ۵۴۰ تا هزار در نوسان است و هرکس بر اساس اجتهاد خویش، رکوع‌بندی کرده است. پس نباید رکوعات را دقیقاً معادل واحدهای نزول آیات بر پیامبر(ص) به شمار آورد.

۴) بر پایه منابع موجود و در دسترس، قدیم‌ترین شاهد در پیدایی رکوعات به سده چهارم هجری بازمی‌گردد که از حوزه فرهنگی خراسان و ورارود سربرآورد؛ این درحالی است که تا سده‌های بعد، اثری از رکوعات در غرب جهان اسلام مشاهده نمی‌شود. بعد از پیدایی، توجه به رکوعات رو به توسعه و رواج نهاد و کم‌کم رکوعات به مانند جزء و حزب به حاشیه مصاحف راه یافت؛ برای این منظور از علامت «ع» که نمایانگر پایان یک رکوع و آغاز رکوع دیگر است، استفاده می‌شود.

۵) بازتاب رکوعات در مسائل فقهی اهل سنت را می‌توان در قرائت قرآن پس از سوره حمد و نماز تراویح نشان داد اما بیش از همه، رکوعات نزد قراء ارجمند بوده است تا در قرائت خود، حسن مطلع و حسن ختami متناسب با معنا داشته باشند.

۶) مفسران در نگارش اثر خود، ناگزیر باید چند آیه هم‌مضمون را از بقیه آیات یک سوره جدا کرده تا طبقه‌بندی درج مطالب خویش را این گونه سامان دهند. چنانچه مبنای این تقسیم، اجتهاد و نظر شخصی مفسر باشد، با سیاق مواجهیم که در آثاری همچون المیزان علامه طباطبایی دیده می‌شود. اما برخی مفسران در سده‌های اخیر، مبنای کار خود را رکوعات قرار داده‌اند که بیشترین نمود آن را می‌توان در تفسیر کابلی مشاهده کرد. سر آخر اینکه با توجه به کارکردهای مختلف رکوعات، به نظر می‌رسد اعتنا بدین امر روز به روز بیشتر شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. مراد از سیاق سیر کلی یک جمله یا مجموعه‌ای از جمله‌هاست که از رهگذر آن، مفهوم خاصی به هم می‌رسد (شاکر، ۱۳۸۲: ۱۹۶).
۲. مطالعات خواندن / خوانش متن (Reading Studies) حوزه معرفتی میان‌رشته‌ای است که موضوع آن شناخت خواندن و بررسی ابعاد مختلف آن است (نک: مطلبی، ۱۳۹۴: سراسر اثر).
۳. ترجمه انگلیسی کتاب مقدس برای کلیسای انگلیس است که تحت حمایت جیمز ششم (King James (KJV در سال ۱۶۰۴ شروع و در سال ۱۶۱۱ به پایان رسید. نسخه شاه جیمز که به دلیل عظمت سبک آن مورد توجه قرار گرفت، به عنوان یکی از مهمترین کتابها در فرهنگ انگلیسی و نیروی محرکه در شکل‌گیری جهان انگلیسی زبان توصیف شده‌است.
۴. فقهای شیعه نیز به تشریح این نماز در زمان پیامبر(ص) اذعان دارند اما اقامه آن را به جماعت جایز نمی‌دانند (مجاهدی، ۱۳۸۵: ج ۱/ ۷۴۳).

رکوعات قرآنی؛ از پیشینه تاریخی تا کاربردها ... (میثم صادقی تورانپشتی و دیگران) ۱۰۵

۵. اقوال متعددی همچون ۱۰ آیه، ۲۰ آیه، ۲۵ آیه، ۳۰ آیه در این باره بیان شده است. برخی نیز قرائت ثلث قرآن و یا ختم قرآن را از باب فضیلت، ذکر کرده‌اند (مجاهدی، ۱۳۸۵: ج ۱/۷۴۳).
۶. البته باید یه این نکته توجه داشت که در برخی مصاحف، گاه از علامت «ع» برای بیان عشر هم استفاده شده است (بیگلری، بی تا: ۲۵۸).
۷. در این برگ، پایان رکوع پنجم و آغاز رکوع ششم سوره کهف با علامت ع در حاشیه صفحه، نشان داده شده است. شایان ذکر است مصحف موزه هنر والترز، در قرن نهم و در شمال هند کتابت شده است (شکری و نظری، ۱۳۹۵: ۳۴-۵۳).

کتابنامه

- قرآن کریم، نسخه‌ی خطی به شماره w.563، محفوظ در موزه‌ی هنر والترز. بالتیمور، ایالات متحده امریکا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ابو داود، سلیمان بن نجاح (۱۳۲۴ق). مختصر التبین لهجاء التنزیل، مدینه: وزارة الشؤون الإسلامية.
- احمد بن حنبل (۱۳۱۳ق). المسند، قاهره: المطبعة المیمینه.
- امینی، محمدرضا (۱۳۹۸). «تعریف بند (پاراگراف) در نثر فارسی»، فصلنامه کاوش‌نامه، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲۰.
- بحرانی، یوسف (۱۳۶۳ش). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، به کوشش علی آخوندی، قم: نشر اسلامی.
- بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۸ق). کشف القناع، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بیگلری، حسن (بی تا). سر البیان فی علم القرآن، بی جا، کتابخانه سنائی.
- تلاوت معنامحور (۱۳۹۰ش). به کوشش انجمن علمی دانشجویی الهیات، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- توکلی، محسن، محمدرضا ستوده نیا و علی اکبر احمدی دارانی (۱۳۹۹ش). بررسی ابعاد کارکردی، زیبایی‌شناختی و ادبی پاراگراف‌بندی متن قرآن کریم، فصلنامه تحقیقات قرآن و حدیث، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۲.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۰ق). درسنامه علوم قرآنی، قم: بوستان کتاب.
- حریری، محمد یوسف (۱۳۸۴ش). فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم: هجرت.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۵ش)، قرآن شناخت، تهران: طرح نو.
- دانایی مقدم، دلشین، حمیدرضا جمالی، یزدان منصوریان، حسن رستگاریور (۱۳۹۷ش)، تأثیر کتاب داستانی واقعیت افزوده بر درک خواندن کودکان، فصلنامه مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۴.

- داوری، حسین (۱۳۹۶ش). خواندن به مثابه یک مهارت راهبرد محور: حلقه مفقوده در نظام آموزشی ایران، فصلنامه پژوهش‌های خواندن، ۱۳۹۶ش، شماره ۱.
- دیوبندی، محمود حسن (۱۳۸۵ق). تفسیر کابلی، تهران: نشر احسان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- رجبی قدسی، محسن و محمد حسن رستمی (۱۳۹۱ش). «روش تفسیری کیوان قزوینی و دیدگاه‌های او در علوم قرآنی»، مجله مشکات، تابستان ۱۳۹۱ش، شماره ۱۱۵.
- رسالة فی عد الآی و السور المکیه و المدنیه (۱۳۸۵ش). به کوشش کریم دولتی، تهران: مرکز اسناد مجلس.
- رسالة فی کتابه المصحف (۱۳۸۵ش). تصحیح محمدرضا شهیدی پور و حجت الله بیاتانی، تهران: مرکز اسناد مجلس.
- زارع زردینی، احمد (۱۳۹۵ش). «بررسی نظم سوره های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ش.
- زارع زردینی، احمد و محمدعلی لسانی فشارکی و میثم خلیلی (۱۳۹۸ش). «گونه شناسی ساختار چینش آیات در رکوعات قرآنی (مطالعه موردی سوره بقره)»، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش.
- زحیلی، وهبة (۱۴۱۸ق). الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دارالفکر.
- سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۰۶ق). المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
- شارپ، زلف نارمن (۱۳۴۴ش). فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، شیراز: چاپخانه موسوی.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲ش). مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۱ش). قواعد وقف و ابتدا در قرائت قرآن، قم: بوستان کتاب.
- شکری، محمد و علی نظری (۱۳۹۵ش). معرفی و تحلیل ترجمه‌ای کهن از قرآن کریم در نسخه‌ای خطی موجود در موزه هنر والترز شهر بالتیمور، کنفرانس بین المللی شرق شناسی تاریخ و ادبیات پارسی، ارمنستان، خرداد ۱۳۹۵ش.
- صادقی توران‌پشتی، میثم و محمدرضا ملک ثابت (۱۳۹۸ش)، «موقفه بانوی نیکوکار توران‌پشتی در عصر صفوی؛ مصحف سی پاره قدمگاه امام رضا(ع)»، همایش ملی فرهنگ رضوی بانوان فرهیخته و نیکوکار، یزد، اردیبهشت ۱۳۹۸ش.
- صفارزاده، طاهره (۱۳۸۸ش). قرآن حکیم، ترجمه فارسی و انگلیسی، تهران: اسوه.
- علوی مهر، حسین (۱۳۸۴ش). آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- فردوسی پور، عاطفه و علی دلاور (۱۳۹۰ش). اثربخشی ساختارهای متن بر درک مطلب دانشجویان، فصل‌نامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، زمستان ۱۳۹۰ش، شماره ۱۵.

رکوعات قرآنی؛ از پیشینه تاریخی تا کاربردها ... (میثم صادقی تورانپشتی و دیگران) ۱۰۷

فردوسی پور، عاطفه (۱۳۹۳ش). اثربخشی پاراگراف بندی متن علمی بر درک مطلب دانشجویان، مطالعات رسانه‌ای. تابستان ۱۳۹۳ش، شماره ۲۵.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش). احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.

کاشفی، حسین بن علی (۱۳۶۹ش). مواهب علیه، به کوشش سیدمحمدرضا جلالی، تهران: انتشارات اقبال.

کیوان قزوینی، عباسعلی (۱۳۸۴ش). تفسیر کیوان، به کوشش جعفر پژوم، تهران: نشر سایه.

لسانی فشارکی و مرادی زنجانی (۱۳۹۴ش)، سوره شناسی، قم: نصاب.

مجاهدی، فاطمه (۱۳۸۵ش). «تراویح» در دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات دایره المعارف بزرگ اسلامی.

مدیر شانچی، کاظم (۱۳۶۲ش). قرآن های چاپی، مجله مشکات، ۱۳۶۲ش، شماره ۲.

مرادی زنجانی، حسین و لسانی فشارکی، محمد علی (۱۳۸۶ش). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، زنجان: قلم مهر.

مستفید، حمیدرضا و کریم دولتی (۱۳۸۴ش). تقسیمات قرآنی و سور مکی و مدنی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.

مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق). صحیح مسلم، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۲ق.

مطلبی، داریوش (۱۳۹۴ش). مطالعات خواندن (مجموعه مقالات منتشر شده در کتاب ماه کلیات)، تهران: خانه کتاب.

مظفری، محمد (۱۴۱۰ق). دانستنی هایی از قرآن، قم: انتشارات علمیه.

مظهری، محمد ثناء الله (۱۴۱۲ق). التفسیر المظهری، تحقیق غلام نبی تونسلی، پاکستان: مکتبه رشديه.

معینی، محسن (۱۳۷۷ش). «رکوع / رکوعات» در دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، تهران: نشر دوستان ناهید.

نکوئی، مطهره (۱۳۸۹ش). بررسی تطبیقی قرائت نماز و احکام آن در مذاهب خمسسه، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه قم.

نووی، محیی الدین بن شرف (بی تا)، المجموع فی شرح المهدب، بیروت: دارالفکر.

Doty, Debora; Popplewell, Scott & Byers, Gregg (2001). Interactive CD-ROM storybooks and young readers' reading comprehension, Journal of Research on Computing in Education, 33 (4), 374-384.

Kao, Gloria Yi-Ming; Tsai, Chin-Chung; Liu, Chia-Yu & Yang, Cheng-Han (2016). The effects of high/low interactive electronic storybooks on elementary school students' reading motivation, story comprehension and chromatics concepts. Computers & Education, 100, 56-70.

Kent, Ronald (1953). *Old Present Grammar, Texts, Lexicon*, American Oriental Society, New Heaven, Connecticut.

Jackson, Kent; Judd, Frank & Seely, David (2006). Chapters, Verses, Punctuation, Spelling, and Italics in the King James Version, *Religious Educator: Perspectives on the Restored Gospel* (2006), 39-64.